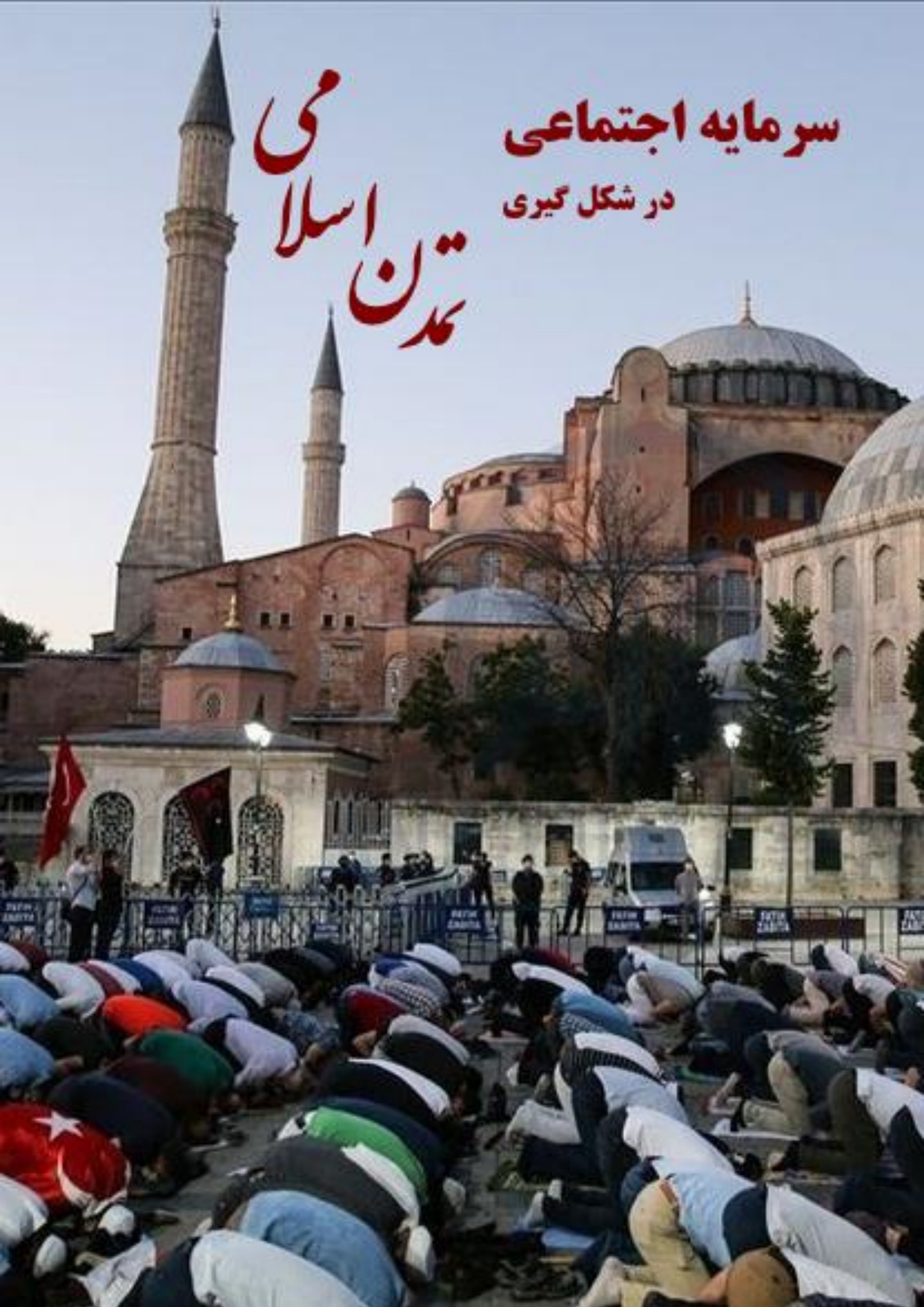


مدن اسلامی

سرمایه اجتماعی

در شکل گیری



بسمه تعالی



سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری تمدن اسلامی

نوزات فرات کوندوراجی

مجله دانشکده الهیات دانشگاه اوندکوز ماییز

شماره ۳۳- ۱۹ می ۲۰۱۲

ترجمه و ویرایش: علیرضا دانش‌نیا

مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی

بهار ۱۳۹۹

سرمایه اجتماعی در شکل گیری

تمدن اسلامی^۱

نوزات فرات کوندوراجی^۲

چکیده:

توسعه اجتماعی در جوامع امروزی از اهمیت بالایی برخوردار است و دستیابی به این توسعه، هدفی اساسی برای این جوامع به شمار می آید. اکنون پذیرفته شده است که سرمایه های انسانی و اجتماعی و همچنین سرمایه مادی در تأمین رشد اجتماعی یک جامعه، تعیین کننده هستند. از آنجا که برخورداری از سرمایه اجتماعی به عوامل زیادی بستگی دارد، استفاده از آن در راستای رشد و توسعه نیز، در سطح جامعه عرصه های بسیار پیچیده و گسترده ای را پدید می آورد. به همین دلیل، فراهم کردن زمینه سالم توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه، آسان نیست و به تلاش شدید و مداوم نیاز دارد. از طرف دیگر، تمدن اسلامی در جوامعی که با بن مایه آن ایجاد شده اند، به انسجام و توسعه اجتماعی پایداری دست یافته که از نگاه تاریخ تمدن، مدت زمان دستیابی به این موفقیت کوتاه بوده است. در این تحقیق، نقش سرمایه اجتماعی در این موفقیت و نحوه الگو شدن تمدن اسلامی برای توسعه سرمایه اجتماعی جوامع امروزی بررسی شده است.

کلید واژه ها: تمدن اسلامی، توسعه اجتماعی، نابرابری اجتماعی، محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه

تمدنی

^۱ این مقاله ترجمه متن کامل مقاله سرمایه اجتماعی در شکل گیری تمدن اسلامی می باشد که به قلم دکتر نوزات فرات کوندوراجی در شماره ۳۳ مجله دانشکده الهیات دانشگاه اوندکوز ماییز Ondokuz Mayıs منتشر گردیده است. محتوای مقاله نظر نویسنده بوده و لزوماً مورد تأیید مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی نمی باشد.

^۲ Dr. NEVZAT FIRAT KUNDURACI

با بررسی چگونگی ظهور و پیشرفت جامعه و تمدن اسلامی، مشاهده می‌گردد که علیرغم صرف زمان اندکی برای شکل‌گیری یک تمدن، پیشرفت‌های بسیار بزرگی - که نظیر آن در تاریخ دیده نشده - هم در بُعد مادی و هم در بُعد معنوی، هم در سطوح فردی و هم در عرصه اجتماعی، اتفاق افتاده است. تحول بزرگی از نظر معنوی در زمینه‌های فردی و اجتماعی رخ داده، جوامع مشرک به پذیرش توحید گرایش یافته و دگرگونی‌های بنیادین در این ارتباط صورت گرفته است.^۱

در این مطالعه، تمدن اسلامی و ساختار اجتماعی در اسلام بر محور مفهوم "سرمایه اجتماعی" - که از اهمیت بیشتری در میان مفاهیم علوم اجتماعی برخوردار است - مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، جایگاه، اهمیت و بهره‌وری از سرمایه اجتماعی در تمدن اسلامی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. "سرمایه اجتماعی"، مفهومی است که بسیاری از رشته‌های اجتماعی از آن برای توضیح وقایع و پدیده‌های مربوط به حوزه خود استفاده می‌کنند. به ویژه در مبحث توسعه و پیشرفت اجتماعی، به عنوان یک ارزش جمعی مهم برای جوامع تلقی می‌شود، که لازم است واجد آن باشند و از آن بهره ببرند. سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل تبیین‌کننده برای فرآیند توسعه، مورد توجه قرار گرفته و در حوزه‌های اجتماعی، به هنگام مواجهه با مشکل ناکافی بودن سرمایه مادی - که یک ارزش مهم در توسعه و پیشرفت اجتماعی است - برای تبیین و تشریح توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

امیدواریم که مطالعه نقش سرمایه اجتماعی در تمدن اسلامی، به بررسی دو موضوع مهم از نظر آکادمیک کمک نماید: ۱- این که بررسی سیر تولد و توسعه تمدن اسلامی به عنوان یک حوزه مهم از علوم اجتماعی، ارائه یک دیدگاه جدید به مطالعه در مورد تمدن اسلامی است. ۲- با معرفی تمدن اسلامی به عنوان یک نمونه

^۱ پیامبر(ص) در خطبه وداع خود فرمود: "مراقب باشید، همه آداب به جا مانده از جاهلیت منسوخ شده است، آنها زیر پای من افتاده اند..."
^۲ اگرچه به نظر می‌رسد این مفهوم از قرن بیستم بوده که مورد استفاده قرار گرفته، اما محتوای این مفهوم معادل با علت وجودی جوامع است و تنها نکته جدید این است که رشته‌های اجتماعی شروع به استفاده از این مفهوم کرده و اهمیت آن را درک می‌کنند.

بسیار موفق در به کارگیری سرمایه اجتماعی ، به درک ماهیت این تمدن و الگوسازی در امر توسعه سرمایه اجتماعی جوامع، کمک خواهد شد.

در این مطالعه ، ابتدا مفهوم سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پس از آن و سپس موضوع سرمایه اجتماعی در تمدن اسلامی به طور جامع مورد بحث قرار گرفته ، نتایج آن در بخش نتیجه گیری ارزیابی خواهد شد.

سرمایه اجتماعی و اهمیت آن در توسعه اجتماعی

مفهوم "سرمایه اجتماعی"، همانطور که از اجزای تشکیل دهنده آن یعنی واژه های "اجتماعی" و "سرمایه" می توان فهمید، یک مفهوم اقتصادی-اجتماعی است که در حوزه های جامعه شناسی و اقتصاد جای می گیرد.^(۱) برخورداری از این ویژگی میان رشته ای بودن سبب می شود که این مفهوم، بیشتر طرف علاقه و مطالعه سایر علوم اجتماعی همچون علوم سیاسی و بازرگانی باشد^۱.

اولین کسی که مفهوم سرمایه اجتماعی را به کار برده، "لیدا جودسون هانیفان" است.^۲ هانیفان بر اهمیت مشارکت اجتماعی در افزایش عملکرد مدرسه در سال ۱۹۱۶ تأکید می کند و این مفهوم را عمدتاً در جنبه جامعه شناسی آن به کار می برد. این عبارت به اهمیت انباشت سرمایه اجتماعی در تأمین نیازهای اجتماعی افراد و اطمینان از توسعه اجتماعی اشاره دارد و بیان می دارد که این امر هنگامی رخ خواهد داد که افراد با اطرافیان خود تعامل داشته باشند.^۳ با این حال ، مدت ها بعد از هانیفان استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به فراموشی سپرده شد. این مفهوم که در دهه ۱۹۵۰ از سوی جامعه شناسان شهری ، در دهه ۱۹۶۰ توسط نظریه پردازان

¹ . Carlo Triligia, "Social Capital and Local Development", European Journal of Social Theory, 2001, V. 4, No.4, , pp. 427442; Feray Erselcan, "Disiplinlerarası Ortak Bir Çalışma Alanı Olarak Sosyal Sermaye", C.U. Sosyal Bilimler Dergisi, Aralık 2009, C. 35, Sayı. 2, ss. 248250; Şevket Tüylüoğlu, "Sosyal Sermaye, İktisadi Performans Ve Kalkınma: Bir Yazın Taraması", Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, 2006, C.12, s. 15

² . Lyda Judson Hanifan (February 12, 1879 – December 11, 1992)

هانیفان نزدیک به ۱۰ سال ناظر ایالتی مدارس روستایی در ویرجینیای غربی بود. تالیف دو کتاب و تعدادی جزوه در زمینه آموزش روستایی در کارنامه خود دارد. در سال ۱۹۱۶ هانیفان برای تأکید بر اهمیت مشارکت جامعه برای مدارس موفق ، ایده "سرمایه اجتماعی" را استناد کرد تا دلیل آن را توضیح دهد (مترجم)

³ .Michael Woolcock, Deepa Narayan, "Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy", World Bank Research Observer, 2000, V.15, I. 2, pp. 229-231.

ایجاد تحول و در دهه ۱۹۷۰ از طرف اندک شماری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، به شکلی کم‌رنگ مورد استفاده قرار گرفته بود^۱، از دهه ۱۹۸۰ با مفهوم و محتوای فعلی خود به کار برده شد و در دهه ۱۹۹۰ به مرحله استفاده گسترده و میان رشته‌ای رسید.

این مفهوم علیرغم نداشتن پیشینه ارتباطی زیادی با معنا، محتوا و ماهیت علوم میان رشته‌ای، به یک زمینه فزاینده در تحقیقات علوم اجتماعی، به ویژه توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است و به عنوان یک شاخص مهم در توضیح پدیده‌هایی مانند سرمایه انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور کلی پذیرفته شده است که "سرمایه اجتماعی" متشکل از مؤلفه‌هایی چون "روابط اجتماعی، هنجارها و اعتماد اجتماعی" است.^۲ به معنای عام؛ سرمایه اجتماعی را می‌توان گرد هم آمدن افراد، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی برای برخورداری از توانایی انجام کار در راستای اهداف مشترک تعریف کرد. "وولکاک" و "نارایان" سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند: "شبکه‌ها و هنجارهایی که افراد را قادر می‌سازد به طور جمعی عمل کنند."^۳ رویکرد "کرمان اوغلو"^۴ در مورد سرمایه اجتماعی به شرح زیر است: "این مفهوم، به ویژگی‌های زندگی اجتماعی مانند شبکه‌های ارتباطی، هنجارها و اعتمادی که افراد را قادر می‌سازد تا در دستیابی به اهداف مشترک خود موثرتر عمل کنند، اشاره دارد...". تعریفی هم وجود دارد که بر اساس اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی استوار است: "سطح کیفی و کمی روابط مبتنی بر اعتماد بین افراد و نهادهای یک کشور...".^۵ تعریفی هم که بر پایه شمارش عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی صورت گرفته به این شرح است: "

¹. Woolcock and Narayan, "Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy", p.231

². Robert Putnam, Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton University Press, Princeton 1993, p. 167; Mehmet Karagül, Mahmut Masca, "Sosyal Sermaye Uzerine Bir Inceleme", Ekonomik ve Sosyal Arastirmalar Dergisi, Bahar 2005, ss. 37-38; Paul Zak, Stephen Knack, "Trust and Growth", Economic Journal, 2001, V.111, pp. 295-321. vd.

³ Woolcock and Narayan, "Social Capital: Implications for Development Theory, Rese-arch, and Policy", p.3.

⁴ Hasan Kirmanoğlu, Sosyal Sermaye ve Geleceği Şekillendirmek, 2006, s.1.

⁵ Mehmet Karagül, Süleyman Dündar, "Sosyal Sermaye Belirleyicileri Uzerine Ampirik Bir Çalışma", Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, 2006, S.12, s. 62.

اعتماد بین افراد ، ارتباط موثر و قوی و ارزش های مشترکی که همزیستی در شبکه محیطی ، احساس تعلق و یکسان بودن را شکل می دهد ...^۱ تعاریفی که به طور ترکیبی از "ساختار" و "عملکرد" سرمایه اجتماعی ارائه می شود ، برپایه سه عامل "اعتماد ، هنجار و شبکه ارتباطی" بیان می گردد .به این صورت که این سه عامل ، همکاری بین افراد ، سازمان های غیردولتی و نهادهای عمومی را توسعه داده ، بهره وری اجتماعی را افزایش می دهند. اساساً هدف مطالعه در زمینه سرمایه اجتماعی - که روابط و تعاملات بین افراد ، مؤسسات و شبکه های اجتماعی را بررسی می کند - این است که مشخص کند، این روابط و تعاملات تا چه اندازه در خدمت اهداف اقتصادی-اجتماعی جامعه است.^۳

عامل "اعتماد" ، در بهره گیری از سرمایه اجتماعی جایگاه بسیار مهمی دارد. "وجود" و "میزان" اعتماد بین افراد جامعه ، بین افراد و گروه ها ، بین گروه ها با یکدیگر ، بین نهادها و سرانجام بین جوامع در هر مرحله، از ایجاد تعامل تا توسعه آن و کسب تدریجی ژرفا و ابعاد مختلف آن ، بسیار تعیین کننده و مهم است. به زبان اقتصاد ، هرچه هزینه معامله در ایجاد و تداوم روابط اقتصادی کمتر باشد ، موفقیت و پایداری بیشتر این روابط تضمین شده تر است. یکی از عوامل مهمی که باعث کاهش هزینه های معامله می شود، "اعتماد" میان طرفین روابط اقتصادی و تجاری است. وقتی اعتماد متقابل بین طرفین برقرار شود ، روابط تجاری دائمی برقرار و تعهدات مبتنی بر قرارداد و پذیرش انجام این تعهدات توسط طرف مقابل، میسر می شود.^۴ این پذیرش، طرفین را قادر می سازد منابع انسانی- مادی ، پتانسیل ها و امکانات مازاد خود را- که بیش از نیازهای آنهاست- فعال کنند و به این ترتیب با استفاده از منابع و پتانسیل هایی که خود فاقد آن هستند اما در دیگران یافت می شوند،

¹Altay, "Bir Kamu Malı Olarak Sosyal Sermaye Ve Yoksulluk İlişkisi", s. 339

²Masca ve Karagül, "Sosyal Sermaye Uzerine Bir İnceleme", s.3752; Jonathan Temple, Growth Effects of Education and Social Capital in the OECD Countries, OECD Economics Department Working Papers No. 263, 2000, p.23

³ Nevzat Fırat Kunduracı, "Sosyal Dışlanmaya Karşı Sosyal Sermayenin Yoksullukla Mücadele Aracı Olarak Kullanılması", Canakkale 18 Mart Üniversitesi 6. Uluslararası STK'lar Kongresi, Canakkale 2009, ss. 458-461.

⁴Şevket Tüylüoğlu, "Sosyal Sermaye, İktisadi Performans Ve Kalkınma: Bir Yazın Taraması", Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, 2006, C.6, S.12, ss.41-42

زمان بیکاری و بطالت را کاهش دهند. افزایش سطح اطمینان در این راستا، منجر به کوتاه شدن زمان بستن قرارداد بین طرفین، انتقال از سطوح رسمی به سطوح غیررسمی و ساده سازی کنترل ها می شود که این امر منجر به تسریع و تنوع بیشتر روابط می گردد. بنابراین، هزینه های معامله خیلی کمتر شده و به همان اندازه سطح روابط و تعامل افزایش می یابد. اهمیت این امر در روابط اقتصادی بین المللی و در زمینه سرمایه گذاری خارجی به وضوح قابل مشاهده است. پیش شرط ورود سرمایه گذاری خارجی به یک کشور و صادرات و واردات گسترده، ثبات سیاسی و اقتصادی در آن کشور است، مقررات قانونی و اداری باید شفاف و برای همه به یک اندازه قابل اجرا باشد. به عبارت دیگر، باید یک محیط امن وجود داشته باشد تا بتوان در آن کشور تجارت و سرمایه گذاری کرد. اگر این مورد فراهم نشود، علیرغم این که کشور مورد نظر دارای منابع غنی زیرزمینی و روی زمینی و سرمایه انسانی قوی باشد، در مسیرهای تجاری قرار گرفته باشد، از زیرساخت ها و حمل و نقل مناسب هم برخوردار باشد، مانع برقراری روابط و تعاملات تجاری، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی با آن کشور می گردد. فقدان جو اعتماد - که عنصر اصلی سرمایه اجتماعی در کشور است - منجر به این خواهد شد که یک سرمایه اجتماعی ضعیف نتواند تمام خصوصیات مثبت دیگر را در روابط بین الملل عرضه نماید و توان انسانی و منابع ملی آن کشور دچار تباهی و بطالت گردد. در واقع، حتی اگر کشوری که برخوردار از سرمایه اجتماعی قوی در سطح ملی است، سایر ویژگی های مورد نیاز روابط تجاری - اقتصادی (مانند حمل و نقل، زیرساخت ها، منابع انسانی مادی) را نداشته باشد، در طول زمان، با استفاده از تعاملات اقتصادی - تجاری، صنعتی و تکنولوژیکی، فرصت لازم را برای توسعه یا ارتقاء آنها فراهم خواهد کرد. (علاوه بر این، تحولات مثبت در همه این ویژگی های کشور، منجر به تقویت بیشتر سرمایه اجتماعی آن خواهد شد.)

سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل تعیین کننده در موفقیت سازوکار مدیریت - که یکی از مهم ترین بازیگران در امر توسعه اجتماعی است - تلقی می شود. مطالعاتی وجود دارد که رابطه بین سطح سرمایه اجتماعی کشورها

و یا مناطق و عملکرد دولت های ملی / منطقه ای را بررسی می کند. "پوتنام" و همکاران وی^۱ در پژوهش خود در مورد اختلاف توسعه مناطق ایتالیا، نشان داده اند که عملکرد دولت های منطقه ای با سطوح مختلف سرمایه اجتماعی، این امر را مستقیماً تحت تأثیر قرار می دهد. همین طور در پژوهش های "ناک"^۲ و نیز "رایس" و "سامبرگ"^۳ - که رابطه بین سرمایه اجتماعی و عملکرد مدیریتی دولت های ایالتی در ایالات متحده را بررسی کرده اند - ارتباطات قوی بین این دو کاملاً مشخص بوده است. "ناک"^۴، از نتایج مشابه در سایر مطالعات^۴ پیرامون این موضوع نیز خبر می دهد.

در درون ساختار اجتماعی، ارزش های ناملموس جمعی بسیار مهم تر بوده و در موضوع توسعه سرمایه اجتماعی، خیلی بیشتر از رونق و ثبات سرمایه فیزیکی نقش دارند. وجود این عامل ها همچنین باعث می شود که سرمایه اجتماعی در هر جامعه شکل، کیفیت و ساختار یکسانی نداشته باشد. دلیل این امر این است که؛ عواملی که تعیین کننده شکل گیری سرمایه اجتماعی هستند (دین، زبان، فرهنگ، ساختار جمعیتی، ساختار سیاسی، تاریخ، سطح توسعه اقتصادی و غیره) ویژگی ها و تفاوت های متمایزی در هر جامعه دارند. علاوه بر این عوامل اجتماعی - که از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت هستند - این امکان وجود دارد که موقعیت های جغرافیایی، شرایط آب و هوایی، منابع روی زمینی و زیرزمینی، ارتباط ها و تعاملات جغرافیایی و تمدنی جوامع با یکدیگر، تفاوت های بیشماری را برای هر جامعه در مقایسه با جوامع دیگر شکل دهد. مجموعه این متغیرها، ایجاد تنوع و تمایز از یکدیگر را برای سطح، کیفیت، پتانسیل و جنبه های توسعه سرمایه اجتماعی هر جامعه اجتناب ناپذیر می کند. علی رغم پذیرش این تمایزات؛ وجود حقایق و ارزش هایی چون مذهب،

¹Robert Putnam, Leonardi Robert, Raffaella Nanetti, Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton University Press, Princeton 1993

²Stephen Knack, "Social Capital and The Quality of Government: Evidence from the U.S. States", American Journal of Political Science, 2002, V. 46, No.4, pp.772-785.

³Tom W. Rice, Alexander F. Sumberg, "Civic Culture and Government Performance In The American States", The Journal of Federalism, 1997, V. 27, No.1, pp.9 114.

⁴Rafael La Porta, Florencio Lopez de Silanes, "Trust in Large Organizations." American Economic Review, 1997, V. 87, No.2; Stephen Knack, Philip Keefer, "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A CrossCountry Investigation", Quarterly Journal of Economics, 1997, V. 112, No.4, pp.1251-1288.

فرهنگ ، روابط درهم تنیده اجتماعی ، صنوف اجتماعی ، سازوکار حاکمیت ، نظم اقتصادی و..... ، ویژگی های مشترک مرتبط با سرمایه اجتماعی در تمام جوامع است.

سرمایه اجتماعی، وقتی معنا پیدا می کند که گردهم آمدن و تلاش افراد و گروه های مختلف یک جامعه، در راستای تحقق اهداف جمعی بوده و به اساسی ترین زمینه های توسعه اجتماعی پرداخته شود. توسعه یک جامعه، تنها با استفاده از منابع و پتانسیل های مادی ، انسانی و اجتماعی آن به کارآمدترین شکل ممکن، امکان پذیر است. برای این کار ضروری است که؛ افراد ، نهادها و گروه های یک جامعه به همکاری و تعامل متقابل در قالب شبکه های اجتماعی موجود پردازند. این روابط و تعاملات در زندگی اجتماعی هر قدر محکم تر و قوی تر باشد، نتایج نیز کارآمدتر خواهد بود.

ضعیف بودن سرمایه اجتماعی، موجب ایجاد نارسایی و ضعف در زندگی اجتماعی، روابط اجتماعی، شبکه های ارتباطی، تعاملات میان سازمان ها و توسعه اجتماعی و اقتصادی ناکافی شده و با به بطالت کشاندن و هدر دادن پتانسیل های اقتصادی-اجتماعی، باعث راکد ماندن و بی ثمر شدن آنها در میان مدت و بلند مدت می گردد.

تجمیع منابع مادی و انسانی جامعه، به شکلی که منسجم و سازگار بوده و توانایی پاسخگویی به نیازهای روز را داشته باشند، تنها در صورت وجود پویایی های مناسب اجتماعی امکان پذیر است. یکی از این پویایی های اجتماعی "دین" است. هرچه جایگاه دین در زندگی اجتماعی قوی تر و تأثیر و ارزش آن برای افراد ، گروه های اجتماعی و روابط اجتماعی بیشتر باشد ، نقش آن در تغییر ، توسعه و تحول اجتماعی بیشتر و مهم تر خواهد بود. از این جهت، تفاوت های اساسی میان اسلام و سایر ادیان وجود دارد. ادیانی مانند مسیحیت، فاقد

ساختاری هستند که زندگی جمعی و روابط اجتماعی را تنظیم نماید و دین یهود نیز به خاطر تعلق داشتن تنها به یک نژاد خاص، از توانایی داشتن پویایی اجتماعی - که استفاده مؤثر از سرمایه اجتماعی در شکل گیری تمدن را امکان پذیر سازد- بسیار دور است. به همین دلیل ؛ در جوامع غربی، عنصر "دین" به عنوان ابزاری مؤثر در

توسعه و استفاده از سرمایه اجتماعی دیده نشده است.^۱ با مطالعه ادبیات حجیمی که در زمینه سرمایه اجتماعی در ۳۰ سال اخیر شکل گرفته، مشاهده می شود که مطالعات کاملاً محدودی در مورد تأثیر دین انجام شده است. این مطالعات محدود هم، به زبان های غربی نوشته شده و تنها بر دین مسیحیت و جامعه کلیسا متمرکز بوده است. "گریلی"^۲، با بررسی تأثیر ساختارهای مذهبی در جامعه آمریکا بر مشارکت مدنی در جامعه، "مولر" و "کریستوفر"^۳ با مطالعه در مورد رابطه دین داری، سرمایه اجتماعی و تحصیلات آکادمیک و "بون" و "وود"^۴ با تحقیق بر چگونگی تولید سرمایه اجتماعی در سازمان های مبتنی بر ایمان، همیشه ساختارها و جوامع کلیسا محور در غرب را مورد مطالعه قرار داده اند. در واقع، آنها تأثیرات ساختارهای مذهبی بر جوامع محدود خود را بررسی کرده اند، نه تأثیر بر کل جامعه را. اما، از آنجا که اسلام دینی نیست که فقط مقررات مربوط به زندگی اخروی را تنظیم کند و یک سامان دهنده کننده کامل برای زندگی تمام جوامع است، پس به همه بشریت اختصاص دارد و نه به یک نژاد خاص و به همین سبب، در عرصه های تمدنی و اجتماعی به عنوان یک عامل اساسی مطرح می شود. اسلام با داشتن این ویژگی های جامع، یک عامل بسیار مهم و غیر قابل انکار در موضوع سرمایه اجتماعی و توسعه پذیری جوامع است و با این ویژگی های جامع، شایسته است به عنوان موضوع سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی

فرضی که در ذات اسلام و جامعه اسلامی وجود دارد و در اینجا در رابطه با سرمایه اجتماعی ذکر خواهد شد، "توسعه سرمایه اجتماعی" در جامعه را یک هدف اساسی نمی داند. بلکه معتقد است اینها همانند "سرمایه

^۱ اگرچه مسیحیت مقررات هنجاری در مورد زندگی دنیوی نداشته، اما دوره های تاریخی وجود داشته است که نهاد کلیسا در سطح سیاسی و اجتماعی فعال بوده و از احترام دین در جوامع اروپایی استفاده می کرده است. با این حال، هرچه تأثیر نهاد کلیسا در زندگی سیاسی و اجتماعی اروپا (مانند قرون وسطی) قوی تر بوده، این جوامع عقب مانده تر شده و هر موقع تأثیرات کلیسا در زندگی سیاسی و اجتماعی ضعیف شده، تحولات اجتماعی این جوامع شتاب بیشتری گرفته است. این تجربه چند صد ساله از مسیحیت و کلیسا، باعث شده است که "دین" جزو اولین عناصری نباشد که در موضوع توسعه اجتماعی در غرب به ذهن خطور می کند.

^۲ Andrew Greeley, "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital", American Behavioral Scientist, March 1997, No.40, pp.587-594.

^۳ Chandra Muller, G. Ellison Christopher, "Religious Involvement, Social Capital and Academic Achievement: Evidence from the National Education Longitudinal Study of 1988", Sociological Focus, 2001, V. 34, No.2, pp.155-183.

اجتماعی" ، علاوه بر داشتن اهداف، دامنه و سطوح اقتصادی و اجتماعی دنیوی، حامل اهداف ، دامنه و ارزش های بسیار والاتری هستند. با این حال ، علاوه بر مقصود اصلی برای مسلمانان و جامعه اسلامی ، از اهداف و ابعاد ثانویه بسیاری هم برخوردارند. به عنوان مثال نماز و روزه به غیر از حکمت ها، اهمیت و ویژگی های معنوی بسیار خود، در بُعد دنیوی برای سلامتی انسان نیز بسیار مفید تشخیص داده شده است. اما این فواید در سطح ثانویه بوده و نتیجه و پیامد محسوب می شوند. صحبت از این مزایای ثانویه، نباید موجب مغفول ماندن (و یا ضرورت مغفول نماندن) حکمت ها و ویژگی های اصلی آنها باشد، اما لازم است با پرداختن به آن، در راه درک بهتر محتوای جامع این عناصر اساسی دین اسلام و جامعه مسلمانان قدم برداریم.

وقتی خصوصیات عمومی جوامع پیش از اسلام - به ویژه جوامع عربی- بررسی می شود، به جرائم و عیوب بسیاری مانند کشتارهای به ناحق، خونخواهی ها ، دزدی ها، بی عدالتی ها، پایمال کردن حق ضعفا از سوی قدرتمندان، بی ارزش دانستن زنان، شیوع ربا و قمار و ضعف علم و دانش و حتی سواد برمی خوریم.

علاوه بر وجود همه این موارد در دوران پیش از اسلام- به ویژه در شبه جزیره عربستان- می بینیم که وحدت سیاسی وجود نداشته، فرهنگ قبیله ای غالب بوده و به جای یکپارچگی و وحدت، جنگ ها و کشتارها به بهانه خونخواهی، در میان قبایل تا چندین نسل ادامه داشته است. همینطور، دولت ها و امپراتوری های قدرتمند منطقه (دولت های بیزانس، ساسانی، یمن و حبشه) به دلیل این ساختار چندپاره و ازهم گسیخته، صاحب قدرت و نفوذ سیاسی در شبه جزیره عربستان بودند. در این شبه جزیره فاقد وحدت سیاسی، تجارتی که با ایران، آفریقای شرقی و عمدتا با بین النهرین صورت می گرفت به خاطر باقی ماندن در سطح قبیله ای ، انباشت سرمایه زیادی را به دنبال داشت. به طور خلاصه؛ فارغ از اندیشیدن به یک تمدن ، تصور وحدت اداری، نظامی ،اقتصادی و تجاری یک جامعه در این شبه جزیره، دور از واقعیت و حتی ادراک بود. همه این ارزش ها از نظر مکانی در سطح یک شهر و یا یک قبیله مانده بودند و تصور و درک جامعه پیشرفته تری حاصل نشده بود. اگر کسانی که در جوامع عربی زندگی می کردند به طور فردی سنجیده می شدند، سیطره فرهنگ قبیله ای و اعتقاد به شرک در هر یک

از این افراد نمایان بود. جمود ناشی از پابندی به دین نیاکان و فرهنگ قبیله ای آنها در ساختار اجتماعی، به طور طبیعی در زندگی فردی هم منعکس می شد. پیوندها و تعصبات قوی قبیله ای هم موجب شده بود که ارزش های به جامانده از نیاکان، حالت تقدس بیابند. آن دسته از جوامع عرب که بت پرستی در آنها رواج داشت، به خاطر دریافت این میراث از پدران خود، نافرمانی در برابر این باور را بی احترامی بزرگی به اجدادشان می دانستند. به این ترتیب زیر سؤال نبردن بت پرستی، در میان اعراب از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد. در جوامع زمان جاهلیت که فاقد اعتقاد به توحید بودند، ارزش های معنوی و اخلاقی هم رو به زوال داشت و بسیاری از خصوصیات زشت اخلاقی مانند آدمکشی، سرقت، ربا، قمار، زنا و مشروبات الکلی شیوع یافته بود. در جامعه داشتن بچه دختر باعث شرمساری می شد و این درک متقابل به حدی رسیده بود که زنده به گور کردن دختر بچه ها امری معمول شمرده می شد. این نشان می دهد که ارزش های معنوی و اخلاقی در افراد به قدری افول داشت که به مرحله انحطاط انسانی رسیده بود.

« و حال آنکه هر کدام از مشرکان را به دختری که به خدا نسبت دادند مژده دهند (نگد دارد و) رویش (از غم) سیاه می شود در حالی که پر از خشم و اندوه است »^۱

« و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان، عمل کشتن فرزندان را بت های ایشان نیکو جلوه داده تا آنکه آنان را با این عمل هلاک سازند. »^۲

در اقلیمی فاقد هر نوع جمعیت سیاسی، اداری، اقتصادی یا نظامی و واجد چنین سطحی از ادراک و انحطاط شدید اخلاقی در زندگی فردی - که همگی از فرهنگ جاهلیت سرچشمه می گرفتند - ظهور تمدن بزرگی مانند تمدن اسلامی و توانایی این تمدن در رسیدن به قدرت و تاثیرگذاری ای که قرن ها کل جهان را هدایت می کرد، کاملاً باورنکردنی به نظر می رسد. « به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در

^۱ سوره زخرف آیه ۱۷

^۲ سوره انعام آیه ۱۳۷

پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد.»^۱ پیامبر عظیم الشان دین اسلام، حضرت محمد(ص) - که مؤجد تحولات انقلابی در سطح فرد و جامعه در دوره نبوت ۲۳ ساله خود بود- چنین تمدن بزرگی را بر اصل و اساس منبع الهام خود یعنی قرآن کریم پایه گذاری کرد. موجودیت، اثربخشی و توانایی این تمدن- که از قرآن کریم و سنت پیامبر سرچشمه می گیرد- در حفظ، تبدیل، تحول و توسعه رویدادها و مسائل اجتماعی، سیاسی، اداری و فرهنگی با برخورداری از قابلیت پاسخ گویی، ارائه راه حل و هدایت آنها، در طول قرون و اعصار خارق العاده بوده است. به همین دلیل است که تولد، تکامل و همه این خصوصیات تمدن اسلامی به عنوان یک واقعیت علمی و تاریخی بسیار مهم مطرح شده و مستلزم بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق و جداگانه، در زیر شاخه های علوم اجتماعی شمرده می شود. تاثیر گذاری دین اسلام و تمدن اسلامی حاصل از آن، بر سرمایه های اجتماعی عاطل مانده جوامع مسلمان در فرایند رشد، توسعه و بلوغ فردی و جمعی این جوامع به شکلی موثر و قوی قابل مشاهده است. همانطور که در بالا گفته شد ترکیب و تشکیل تمدنی بزرگ و ماندگار میان ملل و جوامع مختلف (اعراب، پارسیان، ترک ها، کردها، هندوها، سیاه پوستان و سفیدپوستان و...) در مدت زمانی کوتاه و از آن مهم تر بدون داشتن دانش و شعور تمدنی مشترک، کاری بسیار سخت و باورنکردنی است. روشن است که دستیابی به این امر تنها با بسیج امکانات و پتانسیل های مادی، انسانی و اجتماعی جوامع سازنده تمدن اسلامی آن هم در هماهنگی با یکدیگر امکان پذیر است. فعال شدن همه این امکانات و پتانسیل ها به شکل هماهنگ و جمعی، به طور مستقیم با موضوع و حوزه سرمایه اجتماعی در ارتباط است. شکل گیری و توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی، بیشتر از دوران رسالت پیامبر در مکه قبل از هجرت، به شکلی قابل توجه در دوران زندگی آن حضرت در مدینه پس از هجرت مشاهده می شود. در اقلیت بودن مسلمانان در مکه قبل از هجرت، نداشتن قدرت اجتماعی، سیاسی، اداری، اقتصادی و عدم مقبولیت اجتماعی آنان، سبب شده بود تا موجودیت و توسعه سرمایه اجتماعی در این دوران بسیار ضعیف و محدود باشد (این واقعیت که آیات مکی بیشتر مربوط به

^۱ سوره آل عمران آیه ۱۰۳

مسائل فردی و اعتقادی و آیات مدنی شامل دستورات و احکام اجتماعی است، به این مسئله بازمی‌گردد). به همین سبب در این عنوان، توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی بر پایه دوران حضور در مدینه، حول محور تولد و توسعه جامعه مسلمانان، اصول بنیادین اخلاقی حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی، ارزش‌ها و عبادات بررسی خواهد شد.

الف) استفاده از خصوصیات بنیادین جامعه در تحول به جامعه اسلام

حضرت محمد (ص) با ابلاغ دین اسلام، مردم عربستان را در پشت سر گذاشتن جامعه جاهلیت و نیل به جوهره و بنیان یک جامعه متمدن یاری کرد. برای دستیابی به این هدف، به جای تلاش برای از بین بردن کامل ویژگی‌ها و وجوه ممیزه بنیادین آن جامعه، جهت دادن به آنها در راستای اهداف مشروع فردی، اجتماعی و معنوی بسیار با اهمیت بود. اسلام به جای نابود کردن خصوصیات مادی-معنوی، فردی-اجتماعی، اقتصادی-فرهنگی-سیاسی و دیگر ویژگی‌های جوامع، آنها را در راستای بلوغ فردی و رشد و کمال اجتماعی جهت می‌بخشد تا بدین ترتیب هم از آنها در ایجاد جامعه اسلامی بهره‌برد و هم مشروعیت اجتماعی را با سهولت بیشتری تامین نماید. در میان قبایل عرب، ترکیب خصلت‌هایی چون فداکاری، دلاوری و سخاوت و صفات مذمومی مانند جهل، کینه و قومیت‌گرایی با پرخاش و غلیان ناگهانی- که از خصائل ویژه صحرانوردان است- منجر به جنگ‌ها و مبارزات بی‌پایان بین قبایل می‌گردید. اما پیامبر اکرم این خصوصیات را با ارزش‌هایی چون برادری مسلمانان، بخشش و همیاری در هم آمیخت و پایه‌های جامعه‌ای متمدن- متشکل از قبایلی که صدسال با یکدیگر جنگیده، یکدیگر را به قتل رسانده و در بیابان‌ها به صورت پراکنده و دور از هم زندگی کرده بودند- را بنا نهاد. «**آنهایی که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم خود فروشانند و از (بدی) مردم درگذرند، و خدا دوستدار نیکوکاران است**»^۱ «**به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید،**

^۱ سوره آل عمران آیه ۱۳۴

و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد.»^۱ اسلام با دستورات (نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و...) و نهی از منکرات (شرک، الکل، قمار، ربا، زنا و...) سیاری که برای فرد و اجتماع اعمال می کند، سبب ساز تغییرات و تحولات ریشه دار و قدرتمندی در زندگی فردی و اجتماعی می شود. پذیرش و اعمال همه این موارد در سطح جامعه بسیار دشوار و حتی در کوتاه مدت و میان مدت غیرممکن به نظر می رسد^۲، اما پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام، دستیابی به این اهداف را در جامعه و تمدن اسلامی محقق ساخت.

ب) وحدت و همبستگی انصار و مهاجرین در مدینه

در سال ۶۲۲ میلادی، مسلمانان مکه در اثر فشار، شکنجه و کارشکنی های مشرکان، مجبور شدند وطن خود مکه را ترک و به یثرب مهاجرت کنند. این هجرت که با هجرت اولیه مسلمانان به حبشه تفاوت داشت به همراهی پیامبر انجام شد و به جای این که یک مهاجرت موقت باشد به مهاجرتی دائمی تبدیل و یثرب خانه دائمی مهاجران مکی شد. اینک تمدن جدیدی در یثرب در حال پایه ریزی بود. پایه گذاران این تمدن نوین را، تازه مسلمانان میزبان در یثرب (انصار) - که از تعلیمات پیامبر اکرم کمتر بهره داشتند - و مسلمانان مکه (مهاجرین) - که همراه با پیامبر برای فرار از ظلم و فشار مشرکان تمام اموال، املاک و موقعیت های خود در مکه را رها کرده و بدون مقام و موقعیت و دارایی وارد این شهر شده بودند - تشکیل می دادند. خصوصیات زیبای انصار و مهاجرین در آیات شریفه مربوط به این موضوع مورد ستایش قرار گرفته و به عنوان الگویی برای همه مسلمانان معرفی شده است: «و هم آن جماعت انصار که پیش از (هجرت) مهاجرین (در مکه به رسول ایمان آوردند و) مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند دوست می دارند و در دل خود هیچ حاجتی (و حسد و بخلی) نسبت به آنچه (از غنائم بنی نضیر) که به آنها داده شد نمی یابند و هر چند به چیزی

^۱ سوره آل عمران آیه ۱۰۳

^۲ وقتی میبینیم که امروزه در جوامع مدرن تنها از میان برداشتن عادات مضرى مانند سیگار چقدر سخت و ناممکن بوده است، میزان دشواری از میان برداشتن ده ها عادت مضر موجود در جوامع توسط اسلام و عظمت این تحول اجتماعی بهتر درک می شود.

نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش مقدم می‌دارند (و جانشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است) و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند آنان به حقیقت رستگاران عالمند^۱»

«آنان که به خدا ایمان آوردند و از وطن خود هجرت نمودند و در راه خدا با مال و جانشان کوشش و فداکاری کردند (یعنی مهاجرین مکه) و هم آنان که (به مهاجرین) منزل دادند و یاری کردند (یعنی انصار مدینه) آنها دوستدار و مددکار یکدیگرند.^۲»

«و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که (مهاجران را با فداکاری) منزل دادند و یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آموزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست.»

«... پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را بیوشانم و آنها را به بهشتهایی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو^۳»

«آن‌گاه محققا خدا بر مؤمنانی که از شهر و دیار خود چون به شر و فتنه کفار مبتلا شدند ناگزیر هجرت کردند و در راه دین جهاد و صبر بسیار نمودند، آری خدا از این پس بر آنها بسیار آموزنده و مهربان خواهد بود.^۴»

این دو گروه در موضوع ساختن تمدن اسلامی، هر یک دارای نقاط قوت و ضعف ویژه خود بودند. نقطه ضعف جامعه انصار در این بود که شناخت آنان نسبت به دین اسلام و پیامبر اکرم (ص) کمتر از مسلمانان مکی بود، از این رو برای تحمل سختی‌ها و مشقات، آزمودگی و تجربه کمتری داشتند. نقطه قوت آنان برای ساخت تمدن اسلامی نیز برخورداری از قدرت اجتماعی، فضای زندگی و امکانات مادی بود که تمام این دستمایه‌های مادی و اجتماعی را در خدمت اسلام و پیامبر عظیم‌الشان آن قرار داده بودند. در مورد جامعه مهاجرین آشکار است که نقاط ضعف انصار (شناخت دین اسلام و پیامبر آن) به عنوان نقطه قوت آنها و نقطه قوت انصار (قدرت

^۱ سوره حشر آیه ۹

^۲ سوره انفال آیه ۷۲

^۳ سوره انفال آیه ۷۴

^۴ سوره آل عمران آیه ۱۹۵

^۵ سوره نحل آیه ۱۱۰

اجتماعی، فضای زندگی و امکانات مادی) نقاط ضعف آنان به شمار می رفت. در واقع برای پایه ریزی یک تمدن نوین لازم بود که دو گروه مهاجرین و انصار به معنی واقعی کلمه با هم آمیخته شده. با یک روحیه برادری، همبستگی و همکاری صرف عمل کرده، نقاط ضعف همدیگر را جبران و نقاط قوت یکدیگر را تقویت نمایند. حضرت محمد(ص) - پیامبر بزرگوار اسلام - دو گروه انصار و مهاجرین را برادر اعلام کرده، با برقرار کردن این روحیه برادری در هسته اصلی جامعه مدینه، نقاط ضعف انصار و مهاجران را با استفاده از نقاط قوت شان پوشش داده، تهدیدها را به فرصت تبدیل می کرد و بدین ترتیب از پیدایش یک سرمایه اجتماعی قدرتمند، به شیوه مؤثری در شکل دادن یک تمدن بزرگ استفاده می کرد.

ج) وفای به عهد، امانتداری و درست پیمانی مسلمانان

صفت "امین" - که از ویژگی های اصلی پیامبران به حساب می آید- جزو صفاتی است که همه مسلمانان باید به آن آراسته باشند. پیامبر ما حتی در جامعه ای که قبل از اسلام در آن حضور داشت، به "محمد امین" معروف بود. اشتها به این صفت باعث می شود که مسلمانان در زندگی فردی و اجتماعی، متعهد و صادق بوده و قابل اعتماد باشند و نیز آنها را ملزم می کند که امانتداری و وفای به عهد را از ویژگی های اصلی خود بدانند. تا آنجا که افرادی که یک مسلمان در زندگی اجتماعی با آنها در تماس است باید در این رابطه و تعامل، از آن شخص مطمئن باشند و بتوانند نسبت به خسران های احتمالی وارده از وی احساس امنیت کنند. فقدان این خصوصیات دلالت بر "غیر امین" بودن شخص خواهد داشت و چنین شخصی، "مؤمن" به حساب نمی آید. بنابراین، به الزام دین اسلام، مسلمانان باید به گسترش اعتماد و اطمینان از طریق گروه های اجتماعی که در آن هستند و نهادهای اجتماعی که با آنها مرتبطند، ملتزم باشند. بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث شریفه بسیاری از پیامبر بزرگوار اسلام (ص)، (و البته شیوه زندگی ایشان) بر این ادعا صحه گذاشته، نشانگر ظهور اسلام بر پایه اعتماد و امانتداری هستند: «آری هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید بی تردید خداوند

پرهیزگاران را دوست دارد.۱» ((ای اهل ایمان، هر عهد که با خدا و خلق بستید) به عهد و پیمان خود وفا کنید...^۲ کیل و وزن را تمام بدهید... هر چند درباره خویشاوندان باشد، و به عهد خود وفا کنید^۳...» و چون با خدا (و رسول و بندگانش) عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید شکنید...^۴)

« و آنان که رعایت کننده امانت‌ها و قراردادهای خویشند. و آنان که به (ادای) شهادت‌های خود قیام می‌کنند... اینان در بهشت گرامی داشته می‌شوند.^۵»

« ابوموسی (رضی الله عنه) روایت کرده که پرسیدم: یا رسول الله! کدام مسلمان بهترین است؟ فرمود: شخصی که مسلمانان از زبان و دست او در امان هستند^۶»

"کسی که اعتماد ندارد (که به اعتماد عمل نمی‌کند) هیچ ایمانی ندارد. کسی که عهد و پیمانی نداشته باشد (که از عهد و پیمان اطاعت نکند) دین ندارد^۷» « منافع سه نشانه دارد: دروغ می‌گوید، به قول خود عمل نمی‌کند و در امانت خیانت می‌کند^۸»

« اگر می‌خواهید خدا و رسولش شما را دوست داشته باشند، اگر امانتی به شما سپرده شد، آن را برآورده کنید، راستگو باشید، از آنچه که به همسایه شما آسیب می‌رساند، پرهیز کرده و به آنها نیکی کنید^۹»

ویژگی‌هایی مانند وفای به عهد، وفادار ماندن به پیمان‌ها و به جای آوردن تعهدات و امانت‌داری این امکان را فراهم می‌کند تا حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در زمینه‌ای سالم پی‌ریزی شود و روابط سالم اجتماعی در سطوح فردی، جمعی و نهادی به سرعت ایجاد شده و توسط شبکه‌های اجتماعی توسعه یابد. درحقیقت، ماهیت زندگی اجتماعی بر این پایه است که افراد و گروه‌های موجود در یک جامعه از هنجارهای لازم برای زندگی

^۱ سوره آل عمران آیه ۷۶

^۲ سوره مائده آیه ۱

^۳ سوره انعام آیه ۱۵۲

^۴ سوره نحل آیه ۹۱

^۵ سوره معارج آیات ۳۲ و ۳۳

^۶ Buhari, Ebu Abdullah Muhammet b. İsmail, Sahihu'l-Buhari, Sağlam Yayınevi, Ankara, 2010, s. 64- 65

^۷ Ahmet b. Hanbel, Müsnedü Ahmed b. Hanbel, Ensar Yayıncılık, Konya 2004, C.3, s. 135.

^۸ Buharî, İman, 24.

^۹ Ahmed Ziyaüddin Gümüşhanevi, Ramuzül Ehadis, C.2, Pamuk Yayıncılık, İstanbul 2005, s.150

اجتماعی پیروی کنند. اگر بخش های اجتماعی با این هنجارها مطابقت نداشته باشند، هرج و مرج به وجود می آید و نظم اجتماعی مختل می شود و چنانچه این وضعیت تداوم یابد، اضمحلال تدریجی زندگی اجتماعی اجتناب ناپذیر شده، تعاملات متقابل همه بخش ها از بین می رود و زندگی اجتماعی قدرت و جذابیت خود را از دست می دهد. بنابراین؛ برای حفظ نشاط زندگی اجتماعی، لازم است قواعد اجتماعی مبتنی بر اعتماد متقابل در جامعه شکل بگیرد تا تمامی اقشار و افراد بتوانند میان یکدیگر ارتباط برقرار کرده و شبکه های اجتماعی قوی و مؤثر ایجاد نمایند. جامعه و تمدن اسلامی به خاطر دارا بودن این ویژگی ها در ذات خود، قادر است از این گونه وضعیت های رکود، عقب ماندگی و هرج و مرج به دور باشد.

(د) اصول و قواعد اخلاقی بنیادین حاکم بر جامعه اسلامی

افول و تضعیف قوانین و نهادها و روابط بین افراد و بخش های مختلف به مرور زمان، تبدیل شدن به صحنه تضاد منافع و نیز برهم زدن قواعد، ساختارها و عملکردهای اجتماعی به نفع قدرتمندان و برعلیه ضعیف می تواند از جمله مسائلی باشند که در جریان زندگی اجتماعی اتفاق می افتد. نابرابری ها در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، اداری و سیاسی نیز در نتیجه این موارد پدیدار می شوند. افراد، گروه ها و طبقاتی که تحت تأثیرات منفی این نابرابری ها قرار می گیرند، به اجزا و بخش های توسعه نیافته، فقیر و محروم جامعه تبدیل می شوند. طرد اجتماعی، عقب ماندگی و فقر نیز از جمله موانع جدی برای توسعه به شمار می روند. این امر، تبعات منفی بسیاری در زندگی اجتماعی داشته، ناتوانی افراد جامعه در دستیابی به رشد فردی و تعامل سالم با جامعه را در پی خواهد داشت. نتیجه اینکه، منازعات ناشی از مجموعه نابرابری های اجتماعی میان فقیر و ثروتمند، آشتی و همگرایی جمعی را غیرممکن می سازد، موجب می شود که سرمایه های انسانی و اجتماعی نتوانند به اندازه کافی در سطح جامعه توسعه یابند و مشکلات اجتماعی رشد کرده، موانع بزرگی را برای توسعه و پیشرفت اجتماعی ایجاد نمایند. تعارضات منافع در زندگی اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی منجر به انحطاط اجتماعی شده، راه را برای نابرابری های دائمی گشوده، ناتوانی در جلوگیری از بی عدالتی و در جلوگیری از

ارجح شمردن منافع فردی و طبقاتی بر منافع ملی را در بیشتر اوقات به دنبال خواهد داشت. برای دچار نشدن به چنین وضعیتی باید از قوانین اجتماعی اطاعت کرده، به ارزش های اجتماعی احترام گذاشته شود، حتی اگر با منافع شخصی در سطوح فردی، طبقاتی و اجتماعی "مغایرت" داشته باشد. به ویژه رعایت قوانین و مقررات، ارزش ها و حق و حقوق همه اقشار جامعه از سوی کسانی که در پست های مدیریتی بوده و کسانی که در امر مدیریت و توزیع منابع اجتماعی، اداری و اقتصادی دخیل هستند، بسیار اهمیت دارد. اگر این امر محقق نشود، نابرابری های اجتماعی به نفع افرادی که منابع اجتماعی، اداری، اقتصادی و نیروی مسلح را در اختیار دارند درمقابل افرادی که فاقد این منابع هستند، به وجود می آید. به وجود آمدن چنین وضعیتی در حوزه مدیریتی، گسترش دومینو وار و فراگیر آن را در جامعه به دنبال داشته، سبب می شود امکانات موجود در دست هر شخص صاحب قدرتی در راستای منافع شخصی و به زیان دیگران به کار گرفته شود و عواقب مخرب آن بر کل جامعه تأثیرگذار باشد. شیوه مدیریتی که در دوران مدینه توسط پیامبر (ص) به نمایش گذاشته شد، یک سیستم عدالت اجتماعی بود که از ظهور نابرابری در بخش های اجتماعی جلوگیری می کرد و این در راستای جلوگیری از تسلط هر طبقه یا گروه اجتماعی بر دیگران و حصول اطمینان از حل شدن منافع فردی یا گروهی در بطن منافع اجتماعی بود. به این ترتیب، از بروز اختلاف طبقاتی در طول شکل گیری جامعه و تمدن اسلامی و گسترش نابرابری در بین اقشار اجتماعی و پیامدهای اقتصادی، اداری، سیاسی، قومی و فرهنگی آن جلوگیری شد. نتیجه این که، با ایجاد یک رابطه قوی، سالم و مؤثر بین بخش های مختلف اجتماعی - که مستقیماً با سرمایه اجتماعی مرتبط هستند - ایجاد هنجارهای اجتماعی به روشی عادلانه و منصفانه و توسعه روابط اجتماعی در محیطی سالم امکان پذیر گردید. دوران حضور پیامبر در مدینه شاهد نمونه ها و موارد بسیاری در این خصوص بوده است. اما متناسب با حجم مطلب، معدودی از نمونه ها در اینجا مورد بحث قرار می گیرند: ۱- در دوران حضور در مدینه، یکی از اعراب بدوی که پولی از پیامبر (ص) مطالبه داشت، با این که می دانست پیامبر پولی همراه خود ندارد، به اصرار زیاد پول خود را درخواست می کرد و می گفت "تا طلب خود را نگیرم

گریبان را رها نخواهم کرد." اصحاب با دیدن پریشانی آن حضرت، به سختی به بادیه نشین تاختند که ای مرد! شرم کن! آیا می دانی با چه کسی سخن می گویی؟ پیامبر(ص) رو به اصحاب کرده و فرمود: آیا لازم نبود در کنار آن که حق با اوست، بایستید؟ سپس از یکی از اصحاب خود (خوله بنت قیس) وامی گرفته و بدهی خود را پرداخت کرده، به اصحاب هشدار داد که قدرتمندان نباید به ضعفا ظلم کنند و حق هر کسی را باید بدون آن که احساس کند بی عدالتی نسبت به وی صورت گرفته است، ادا کرد. آنگاه فرمود: "بهترین مردم کسی است که حق را به حقدار برساند. ملتی که در میان آنها، حق بدون زحمت به دست حقدار نمی رسد، هیچ خیری نمی بیند و رستگار نخواهد شد." ^۱

۲- پیامبر نسبت به عباس عموی خود- که در جنگ بدر به همراه ۷۰ تن از مشرکان مکی به اسارت درآمده بودند- هیچ امتیازی قائل نشد و به همان اندازه فدیة ای که برای آزادی دیگر اسیران تعیین شده بود، از وی نیز دریافت کردند.

۳- در جوامع عرب دوران جاهلیت پیش از اسلام، تمایزات شدیدی بر اساس قبیله، طبقه اجتماعی (ثروتمند / فقیر) و وضعیت (ارباب / برده، نجیب زاده / عامی) وجود داشت. این اختلافات طبقاتی بدون انعطاف، در میان جوامع کوچ نشین بیابانگرد براساس تفاوت های قبیله ای و در میان جوامع اسکان یافته هم براساس جایگاه قبیله و هم برپایه طبقه و موقعیت اجتماعی ظاهر می شد. وجود این تفاوت ها و تمایزات قطعی و بدون اغماض، مانعی برای توسعه روابط، هنجارها و شبکه های اجتماعی بود و سبب می گردید که جامعه، قادر به استفاده مؤثر از منابع خود نباشد. پیامبر(ص) با محور قرار دادن اخوت اسلامی، انواع تبعیض ها، اختلافات طبقاتی و تمایزات اجتماعی را از میان برداشت و بر این مانع مهم در توسعه اجتماعی فائق آمد. در این ارتباط پیامبر(ص) در خطبه الوداع موارد زیر را بیان می کند:

¹Muhammed Yusuf Kandehevi, Hayatü's- Sahabe, Akçağ Yayınları, Ankara, 2003, C.2, ss. 139-140

« ... یاران من! دقت کنید که تمام آداب و رسوم به جامانده از دوران جاهلیت منسوخ و لگدمال شده... به سخنانم خوب گوش فرا دهید و کاملاً به خاطر بسپارید! هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است و به این ترتیب همه مسلمانان با یکدیگر برادرند. جان و مال یک مسلمان هیچ گاه برای برادرش حلال نخواهد بود... ای مردم! پروردگار شما یکی است. همه از یک پدر هستید و پدر همه شما حضرت آدم است و آدم از خاک خلق شده است. همان گونه که عرب بر غیرعرب و غیرعرب بر عرب برتری ندارد، سفید بر سیاه و سیاه بر سفید نیز هیچ رجحانی ندارد. برتری فقط در تقوا و ترس از خداست. عزیزترین کس نزد پروردگار، خداترس ترین شماست. »

۴ - زنی از قبیله بنی مخزوم - که از قبایل برجسته مکه به حساب می آمد - دزدی کرده بود. از پیامبر (ص) تقاضا شد که به وی کیفر ندهد، پیامبر اکرم که این خواسته را درخواست ساده ای نمی دید، مجازات را اجرا کرده ، دستور به جمع شدن مردم داد و درخصوص این نوع تقاضاهای کوچک تبعیض آمیز - که تأثیرات مخرب و پایداری بر جامعه دارند - چنین هشدار داد: « ای مردم! کسانی را که قبل از شما بودند چنین کارهایی به نابدی کشانید . وقتی فرد برجسته ای از میان آنها دست به دزدی زد، او را رها ساختند و آنگاه که یکی از ضعیفان همان کار را کرد، او را مجازات کردند. به خدا سوگند! حتی اگر فاطمه دختر محمد دزدی کرده باشد، دستش را قطع خواهم کرد. ^۱

۵ - پس از فتح مکه ، بادیه نشینی می خواست در حضور پیامبر (ص) صحبت نماید، اما از هیجان و ترس می لرزید . پیامبر با فرمودن این که : « من یک پادشاه نیستم، من پسر یک زن قریشی هستم که با خوردن تکه های گوشت خشک شده در مقابل آفتاب زندگی می کرد. ^۲ » ، او را آرام کرده و نشان داد که در اسلام برخلاف

¹ Ebu Dâvud, Süleyman b. Eşas, Sünen-i Ebi Davud, Çağrı Yayınları, İstanbul 1992, Hudûd 15.

² Kadı İyaz, Şifa-i Şerif, Bedir Yayınları, İstanbul, 1993, s. 266.

حکومت های دیگر، حضور در مقابل حاکمان ترسی ندارد، میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان اختلاف طبقاتی نیست و با تکیه بر اصول برادری راه بر نابرابری ها بسته می شود.

ه) ماهیت اجتماعی عبادات و نقش آن در شکل گیری جامعه و تمدن اسلامی

در برابر دیدگاه مادی گرایانه که بر بسیاری از افراد، بخش ها و جوامع مسلط است و این جهان را یگانه هدف انسان می داند، جهان بینی خداجویانه که جهان هستی را ابزاری برای رسیدن به اهداف والاتر دانسته و میدانی برای آزمون الهی می داند، تحولات و تغییرات بسیار جدی را در کل جوامع امکان پذیر می سازد. جامعه و تمدن اسلامی می تواند به عنوان جایگزینی برای جوامعی که در آنها منافع فردی تنها هدف است، زندگی اجتماعی همواره صحنه تعارض منافع افراد بوده و رقابت مخرب در سطوح فردی و اجتماعی بر کل جامعه تسلط دارد، عمل کرده و ضمن جلوگیری از تعارض منافع فرد و اجتماع آنها را بر یکدیگر منطبق سازد.^۱ عبادت را بخشی از روند اجتماعی کردن مسلمانان می سازد. اگر هم این هدف اصلی عبادت در اسلام نباشد، برقراری روابط و تعاملات میان بخش های اجتماعی بر اساس بنیان های اسلامی را به عنوان هدف ثانویه برآورده می کند که نهایتاً منجر به تشکیل یک ساختار اجتماعی سالم مبتنی بر ارزش های اسلامی - از زندگی فردی گرفته تا روابط و ساختارها در سطح اجتماعی - و رهایی از تضاد منافع جمعی و فردی می شود. وقتی جایگاه عبادت در زندگی اجتماعی در دین اسلام را، حول محور نماز، روزه، زکات و حج مورد بررسی قرار می دهیم، این امر به شکلی روشن تر و واضح تر مشاهده می شود:

۱- **نماز:** از آنجا که نماز برای هر مسلمان ۵ مرتبه در روز واجب است، او می تواند هر لحظه از زندگی روزمره خود را مطابق با اسلام و احکام اسلامی ساماندهی نماید و یا حداقل این موضوع مکرراً به او یادآوری می شود.

^۱ زندگی اجتماعی، به سبب مزایای زیادی که زندگی مشترک برای افراد فراهم می سازد، مردم را به سمت خود جذب می کند و افراد را به لحاظ مکانی در مرزهای خود نگه می دارد. افرادی که در یک محیط و یک فضا زندگی می کنند اهداف و علایق مشابهی دارند. این اهداف و علایق از خواسته های نامحدود فرد ناشی می شود. وقتی محدودیتی برای منافع فردی وجود نداشته باشد، هر یک از منافع موجود در تعداد افراد جامعه با ماهیت بی نهایت آن، به طور حتم با منافع مشابه افراد دیگر در تضاد خواهد بود. وجود این تعارضات منافع، منجر به رقابت مخرب بین افراد و مغایرت با روحیه همبستگی و همکاری موجود در طبیعت جوامع می شود. جهان بینی الهی برای جلوگیری از این تعارض منافع ضمن انکارنکردن این منافع دنیوی آنها را ابزاری برای اهدافی تلقی می کند که اهمیت بیشتری داشته و ابدی و نامحدود هستند و بنابراین تعارض منافع ایجاد نمی شود. این ویژگی اهمیت و منحصر به فرد بودن دیدگاه دینی و معنوی را، آشکار می سازد.

در دین اسلام، اقامه نماز به صورت جماعت و در مسجد بر خواندن آن در خانه و به صورت فرادا، برتر دانسته شده و تشویق شده است. بدین طریق، گردهم آوردن مسلمانان در یک محیط اجتماعی با هدف به جای آوردن عبادت و انجام کاری مشترک امکان پذیر می شود. در زمان هجرت به مدینه، نخستین کار پیامبر - در حالی که تنها نزدیک به دوهفته از اقامتش در ناحیه قبا (درست در خارج مدینه) می گذشت - بنا کردن اولین مسجد اسلام (مسجد قبا) با کمک یارانش بود و پس از رسیدن به مدینه نیز به عنوان اولین اقدام یک مسجد (مسجد النبی) ساخت و به این شکل نشان داد که به جای آوردن عبادات به شکل جمعی، جایگاه رفیع و اهمیت زیادی در دین اسلام دارد. مسجد النبی به محلی برای گردآمدن اصحاب، تبلیغ و آموزش اسلام، پذیرفتن هیأت های خارجی، اداره شهر مدینه، اتخاذ تصمیماتی در مورد جنگ یا صلح و به طور خلاصه به قلب تپنده دار الاسلام تبدیل شده بود. سفارش ها و توصیه های فراوانی از پیامبر اکرم در خصوص گردهم آمدن مسلمانان و خواندن نماز جماعت در مساجد وجود دارد:

«اگر مردم بدانند که خواندن اذان و قرار گرفتن در صف اول نماز چقدر فضیلت دارد، حتی اگر مجبور به قرعه کشی برای انجام این کار باشند به آن تن می دهند. اگر آگاه باشند که زودتر رسیدن به نماز جماعت چقدر باارزش است، شاید از یکدیگر سبقت بگیرند و اگر فضیلت نماز شب و نماز صبح بر آنها آشکار باشد، حتی اگر مجبور به خزیدن باشند خود را به این دو نماز می رسانند.»^۱

« هر که صبح و عصر در مسجد حاضر شود خداوند در هر رفت و آمدش اسباب پذیرایی او را در بهشت آماده می سازد.»^۲

¹ Buhârî, Ezân 9, 32; Nesâî, Mevâkîf 22.

² Müslim, Ebu'l-Hüseyn Müslim b. Haccac, Sahih-i Müslim, İrfan Yayınevi, İstanbul, 1988, Mesâcid 285

« بدون شک بیشترین پاداش را از نماز کسانی می گیرند که از مسافت های طولانی با پای پیاده به مسجد می آیند. پاداش شخصی که برای اقامه نماز با امام انتظار می کشد از کسی که نماز را به تنهایی بخواند و بخوابد، بالاتر است.^۱ »

« به کسانی که در شب تاریک با پای پیاده به مسجد می روند بشارت دهید که در روز قیامت به روشنایی مطلق خواهند رسید^۲ »

« نمازی که به جماعت خوانده می شود بیست و هفت مرتبه از نمازی که به تنهایی خوانده شود با فضیلت تر است.^۳» در میان مسلمانانی که به مسجد می روند بین ثروتمند و فقیر ، جوان و پیر و از نظر طبقه اجتماعی ، جایگاه ، نژاد ، فرقه و ... هیچ تفاوتی وجود ندارد و همه به عنوان یک فرد برابر عبادت می کنند. هر مسجد محلی است که همه مسلمانان بدون هرگونه تبعیضی می توانند برای عبادت در آنجا حاضر شوند. نتیجه این که در جامعه اسلامی ، احساس برابری بین افراد و اقشار مختلف اجتماع ، حول محور اخوت دینی حاکم می شود و حس وحدت و همبستگی اجتماعی تقویت شده ، از نابرابری ها جلوگیری می گردد. اقامه نمازهایی مانند نماز جمعه و همچنین نماز اعیاد از آنجا که جزو واجبات به شمار می آیند، حداقل یک روز در هفته امکان گردهم آمدن مسلمانان و ارتقاء آگاهی های اجتماعی آنان را فراهم می سازند. فلسفه نمازهایی مانند نماز میت نیز بر این اساس است که در زمان هایی که یک مسلمان در بدترین شرایط روحی است، درد های خود را با دیگر برادران خود بر محور یک عبادت دینی تقسیم نماید. شخصی که در محله یا محل کار یا مسجد محل عبور خود همراه با دیگران به عبادت می پردازد، مشخصا احساس می کند که با آنها در یک باور و یک اندیشه همراه است ، در نتیجه احساسات او نسبت به اطرافیانش از " عدم اطمینان " به " اعتماد " و نگاهش از " غریبه " به " برادر و دوست " تبدیل می شود. تعامل میان افراد " کامل تر و جامع تر " گشته و رویکرد اشخاص از " رقابت " به " همکاری و

¹ Buhârî, Ezân 31; İbn Mace, Ebû Abdullah Muhammed b. Zeyd, Sünen-i İbn Mace , Kahraman Yayınları, 1982, Mesâcid 15Ebû Dâvûd.,Salât 50; Tirmizi, Muhammet b.İsa, Sünenü't-Tirmizi, Çağrı Yayınları, İstan

² bul, 1992, Salât 166

³ Buhârî,Ezân 30; Müslim, Mesâcid 249.

همیاری " تغییر می کند. مجموعه همه این ها به شکل گیری یک سرمایه قوی و مؤثر اجتماعی در سطح جامعه می انجامد.

۲ - ماه رمضان و روزه: روزه گرفتن برای همه مسلمانانی که توانایی دارند ، در ماه رمضان واجب است. « ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود. باشد که پرهیزگاری کنید^۱ » مسلمانانی که در طول روز چیزی نمی خورد و نمی نوشد ، گرسنگی و نداری فقرا را می فهمد چرا که هر سال حداقل برای یک ماه مانند آنها زندگی می کند. به این ترتیب ، مردم با فقیرترین اقشار جامعه همدلی کرده و مشکلات آنها را درک می کنند.

فقیرترین اقشار جامعه، بخش هایی از جامعه را تشکیل می دهند که خارج از روند اجتماعی شدن باقی می ماندند و بیشتر مستعد ارتکاب جنایات و برهم زدن صلح اجتماعی هستند چرا که نمی توانند با جامعه همذات پنداری کنند. روزه داری در ماه رمضان با پرورش روحیه ایثار ، همبستگی و تواضع در افراد ثروتمندان را از اوضاع فقرا آگاه می سازد. این یک ماه از یک سو از نادیده انگاشته شدن مردم فقیر در جامعه می کاهد و از سوی دیگر پذیرش آنها را برای سایر افراد آسان تر کرده و یک پیوستگی نهان اجتماعی ایجاد می کند. مجموع همه این ها زمینه و شرایط مساعدی برای توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه فراهم می سازد. دعوت دیگران به ویژه افراد فقیر در ماه رمضان به سفره های افطار خود، به مسلمانان سفارش شده و بر صواب بسیار آن تأکید شده است:

« هر کس در هنگام افطار به یک برادر مسلمان یک وعده غذا دهد ، به اندازه پاداش او پاداش می گیرد و هیچ چیز از پاداش کسانی که اکرام شده اند، کم نخواهد شد. » « باشد که افطاری شما همواره نصیب روزه داران گردد، غذاهایتان را انسان های خوب صرف کنند تا فرشتگان برای شما دعا و استغفار نمایند^۲ »

^۱ سوره بقره آیه ۱۸۳

^۲ Tirmizî, Savm: 82; İbni Mâce, Sıyam 40

^۳ Hanbel, 3/138.

« روزه یک حجاب است. اگر روزی یکی از شما روزه بگیرد، کلمات زشت به کار نبرد، داد و فریاد نکنند. اگر کسی هتاک یا دعوا نماید در جواب بگوید من روزه ام! (مجادله نکنند)»^۱

« هر که گفتار و کردار دروغ را ترک نکند (به او بگویند) خداوند نیازی به نخوردن و نوشیدن او ندارد. (۴) »

روزه ماه رمضان که برای همه مسلمانان واجب است، یک سازوکار اجتماعی قوی است که هدف آن گسترش فرهنگ همیاری و احساس برادری در میان مسلمانان است. اسلام این عبادت را فقط یک عبادت فردی نمی داند. به همین دلیل است که، مسلمانان مجاز نیستند در هر زمان از سال که دلشان خواست روزه واجب بگیرند و به همه آنها امر شده که در همان ۳۰ روز ماه رمضان روزه بگیرند.

« ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده برای هدایت بشر و برای راهنمایی و تمایز حق از باطل، پس هر که دریابد ماه رمضان را باید آن را روزه بدارد»^۲

هر کس در هر زمان از روز که بخواهد نمی تواند روزه بگیرد و همه باید در زمان امساک دست از خوردن و آشامیدن بردارند و روزه خود را با غروب آفتاب افطار کنند. سحری خوردن جمعی قبل از امساک، اقامه نماز تراویح^۳ در مساجد و ختم دسته جمعی قرآن کریم، ضمن مضاعف ساختن عبادات در این ماه مبارک باعث می شود شکل این عبادات نیز از حالت فردی به جمعی تبدیل شده و اثرگذارتر باشد. مسلمانان ثروتمند با دادن زکات، صدقه و فطریه در این ماه نیازهای مسلمانان فقیر را برآورده می کنند و بر سر سفره های افطار؛ اقوام، همسایگان و نیازمندان با هم دیدار کرده، یک همبستگی کامل اجتماعی و روحیه جمعی با محور قرار دادن عبادت آگاهانه بر جامعه حاکم می شود.

۳- زکات: برای مسلمانان ثروتمند واجب است که زکات اموال خود را به افراد بی بضاعت جامعه بدهند.

¹ Buhari, Savm 2, 9

^۲ سوره بقره آیه ۱۸۵

^۳ نماز تراویح به نمازهایی اطلاق می شود که مسلمانان سنی در شب های ماه رمضان به جماعت می خوانند. این نماز پس از نماز عشاء خوانده می شود. در بین اهل سنت رسم است که هر شب یک جزء قرآن را در این نمازها تلاوت کنند تا در پایان ماه رمضان، قرآن ختم شود. (مترجم)

« زکات ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آئین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است. ^۱ »

پرداخت زکات به معنای زدودن آلودگی های ثروت و ایجاد درآمد حلال است. دین اسلام دادن زکات را به عنوان لطفی از سوی مسلمانان ثروتمند به فقرا نمی داند. مسلمانی که زکات خود را پرداخت می کند می داند که این مال فقط در سایه تلاش خودش به دست نیامده، بلکه روزی اوست که از سوی خدایش به او عطا شده است و برای رضایت او می پردازد. در واقع، سبب می شود افرادی که به آنها کمک می کند تا در تقسیم مالک واقعی جهان سهیم شوند، به خاطر این که این درآمد را پاک و حلال می سازند، احساسی مثبت و سازنده داشته باشند.

« آنان که از هر چه روزی آنها کرده ایم انفاق می کنند ^۲ »

« آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند. ^۳ » به این ترتیب، در جامعه اسلامی روابطی سالم و سازنده میان فقیر و غنی، حول محور عشق، تحمل و همبستگی به وجود می آید و احساس مسئولیت اجتماعی در بین افراد ثروتمندی که به نیازمندان کمک می کنند، ایجاد می شود. از سوی دیگر، فقرا نیز با دریافت زکات از ثروتمندان، احساس می کنند که جامعه آنها را به حال خود رها نکرده و درقبالشان حس مسئولیت دارد و از پیامدهای منفی ناشی از احساس طرد از جامعه، مانند قهر کردن و دوری گزیدن از زندگی اجتماعی و همچنین عدم احساس مسئولیت در برابر نظم و قوانین جلوگیری می شود. بنابراین میان دو بخش فقیر و غنی جامعه، رابطه ای سالم و قابل اعتماد مبتنی بر یک شالوده قدرتمند، صمیمانه و معنوی متولد می شود. وقتی هنجارهای اجتماعی قدرت می گیرند، عنصر اعتماد میان اقشار مختلف قوت گرفته و شبکه های اجتماعی امدادرسان با یاری رساندن به لایه های محروم، توزیع عادلانه درآمد

^۱ سوره توبه آیه ۶۰

^۲ سوره انفال آیه ۳

^۳ سوره بقره آیه ۳

را تضمین می کنند. "زکات" با برخورداری از سه عنصر اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی "هنجار اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه اجتماعی" نقش مهمی در گسترش این سرمایه به عهده می گیرد. علاوه بر این؛ با ایجاد "مؤسسه زکات"، نیازی به ارائه خدمات اجتماعی مبتنی بر نیازهای مادی، به اقشار آسیب پذیر نخواهد بود و نهایتاً از هدررفتن سرمایه های انسانی ناشی از آن جلوگیری خواهد شد. از سوی دیگر وارد چرخه کردن سرمایه انسانی این افراد، در کل جامعه تحت تأثیر مثبت داشته و مجموع سرمایه انسانی در سطح اجتماعی افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب؛ موانع موجود ناشی از فقر، بر سر راه توسعه و پیشرفت اجتماعی قابل رفع خواهد بود.

۴- حج: فریضه حج که محدودیت زمانی و مکانی دارد و به جای آوردن آن برای همه مسلمانانی که توانایی مالی و جسمی دارند، برای یک بار در طول زندگی واجب است، مسلمانان را قادر می سازد این عبادت را به طور جمعی انجام دهند. به جای آوردن فریضه حج فقط در سرزمین مقدس مکه و در زمان معینی از سال امکان پذیر است. «حج (واجب) در ماه هایی معین است، پس هر که در این ماه ها حج می گزارد بایست آنچه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کار ناروا (مانند دروغ و بدگویی) را ترک کرده و مجادله نکنند...»^۱

خارج از این بازه زمانی تنها می توان از ثواب حج عمره بهره برد، اما با این کار انجام حج تمتع - که بر کسی واجب شده است - از گردن او ساقط نمی شود. حج تنها عبادت واجب در روی زمین است که به یک مکان خاص محدود شده است. به همین دلیل، اگرچه اقامه نماز به جماعت، باعث می شود مردم یک منطقه بتوانند دور هم جمع شوند و روح وحدت را در سطح جامعه بدمند اما حج با گردهم آوردن مسلمانان از سراسر جهان، امکان شکل گیری روح جمعی و افزایش آگاهی امت اسلامی را فراهم می سازد. مسلمانان از سراسر جهان، از همه قاره ها، از همه کشورها و شهرها برای به جای آوردن حج در مکه ملاقات می کنند، با یکدیگر آشنا می شوند و با هم پیوند می خورند.

^۱ سوره بقره آیه ۱۹۷

« مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره و بر مرکب های لاغر از هر راه دور به سوی تو بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند.....^۱ »

با مُحْرِم شدن به هنگام حج بسیاری از امور برای افراد ممنوع می گردد از جمله: عطرزدن، اصلاح کردن، لباس دوخته پوشیدن، به پا کردن کفشی که پاشنه ها را بپوشاند و به این ترتیب اطمینان حاصل می گردد شخصی که به احرام وارد می شود، از تعلقات دنیوی دور شده ، خود را وقف عبادت کند. برای شخصی که احرام دارد، کوتاه کردن ناخن یا حتی کندن مویی از بدن حرام است. شکار حیوانات یا حتی نشان دادن شکار به یک شکارچی حرام بوده و مشاجره با دیگران ، ناسزا گویی و دعوا ممنوع است. کشتن هر موجود زنده مگر در موارد دفاع از خود حرام است. صدمه زدن یا کندن گیاهان نیز از جمله موارد منع به هنگام احرام محسوب می شود. به این ترتیب است که فرد مُحْرِم ، یاد می گیرد با محیط زندگی خود در صلح باشد، به انسان ها ، حیوانات و حتی گیاهان اطراف خود آسیب نرساند، حقوق و قوانین آنها را رعایت کند و حتی می آموزد که می تواند شخصی را که مرتکب اشتباه شده و حقوق او را نقض نموده است، تحمل کند و ببخشد. مسلمانانی که از چهارگوشه دنیا در یک جا گرد هم می آیند ، این آگاهی و شعور اجتماعی را در این دوران آموزش دیده و به اشتراک می گذارند. « ... و هر که در آنجا داخل شود ایمن باشد. و مردم را حج و زیارت آن خانه به امر خدا واجب است بر هر کسی که توانایی برای رسیدن به آنجا دارد...^۲ » کسی که حج به جای می آورد بدون برزبان راندن سخنان زشت و بدون ارتکاب هیچ گناهی ، به خانه خود بازمی گردد ، درست همانطور که از مادرش به دنیا آمده است.^۳ »

مسلمانان از سراسر جهان ، از هر نژاد ، ملیت ، مذهب، حرفه ، سن ، جنس ، طبقه و مقام گرد هم می آیند و بدون هیچ تفاوت و تبعیضی (نژاد ، طبقه ، فرقه و ...) عبادت یکسانی را انجام می دهند و در راستای برادری ، همبستگی ، صبر و تقوا عمل می کنند. یکی از اصلی ترین کارهای حج برای مُحْرِم شدن، تهیه لباس احرام با

^۱ سوره حج آیه ۲۷ و ۲۸

^۲ سوره آل عمران آیه ۹۷

^۳ Buhârî, Hac 4

هدف رهایی از انواع منزلت ها و موقعیت های دنیوی ، اعتبار ، غرور و ریا از بُعد فردی و ایجاد روحیه برادری ، وحدت و یکپارچگی و از بین بردن انواع نشانه های تبعیض ، از بُعد اجتماعی است. لباس احرام یک لباس یکدست، سفید، ساده، بدون درز و یکنواخت برای همه افراد، چه ثروتمند و چه فقیر است. به این ترتیب، مسلمانانی که به هنگام حج گرد هم می آیند احساس می کنند که در حضور خدا برابر هستند. غرور ، تکبر ، ریا ، حسادت و هر نوع صفت زشت دنیوی را کنار گذاشته و به سمت اخوت و برادری ، اخلاص ، حیا ، زهد، یگانگی و وحدت گرایش پیدا می کنند. مسلمانان به هنگام حج، در مکه همدیگر را ملاقات می کنند ، به هم می پیوندند و مشکلات خود را با یکدیگر در میان گذاشته و با مطرح کردن مسائل مشترک به قدرت و اتحاد خود - که حاصل این کنگره عظیم است- پی می برند. مراسم حج به عنوان کانونی عمل می کند که، سرمایه تمدنی¹ جامعه اسلامی در آن تجسم می یابد، هر ساله خود را تجدید می کند و این سرمایه تمدنی با قدرت ، کارایی و هم افزایی بیشتر در سراسر جهان گسترش می یابد. اهمیت حج به عنوان منبع قدرتمند تمدن مسلمانان و تأثیر آن در وحدت ، همبستگی و برادری، در طول جنگ جهانی اول بهتر درک شد. در این برهه، مسلمانان با تعلل و تسامح برای حضور در گردهمایی حج- که محل ملاقات، آشنایی، همدردی و همدلی مسلمانان بود- ، از یکدیگر دور شدند. وحدت معنوی موجود در میان آنها شکسته شد.² به همین دلیل ، در طول جنگ جهانی اول توسط کشورهای غربی مورد سوء استفاده قرار گرفته، علیه یکدیگر وارد جنگ شدند (مانند استفاده انگلیسی ها از مسلمانان هند علیه امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول ، به ویژه جنگ چاناک کاله) ، آنها خون یکدیگر را ریختند و راه را برای اشغال ، کنترل و استثمار کشورهای غربی باز کردند. فریضه حج با جوانب و ابعاد فردی آن که در بالا اشاره شد ، قدرت و تأثیر بسیار مهمی در شکل گیری و توسعه سرمایه

¹ ما می توانیم سرمایه تمدن را به معنای استفاده از سرمایه مادی ، انسانی و اجتماعی جوامع و فرهنگ هایی که یک تمدن را متناسب با شکل گیری و توسعه آن تمدن تشکیل می دهند ، تعریف کنیم. جوامعی که یک تمدن را تشکیل می دهند دارای خصوصیات مختلف ، ویژگی های جمعیت شناختی ، ساختارهای فرهنگی ، نقاط ضعف و قوت ، موقعیت های جغرافیایی متفاوت و منابع مختلف زیرزمینی و روی زمینی، مزایا و ضعف های استراتژیک خواهند بود. توانایی ذوب کردن همه این اختلافات در پوته تمدن با ساختار اجتماعی بالا و تبدیل تفاوت ها به همکاری و هماهنگی به جای تعارض و درگیری ، و تبدیل تهدیدات در سطح اجتماعی به فرصت هایی در سطح تمدنی ، به قدرت سرمایه آن تمدن بستگی دارد. هرچه این سرمایه قوی تر باشد ، تمدن سالم و پایدارتری پدیدار خواهد شد. از سوی دیگر ، متناسب با ضعف سرمایه تمدنی ، از بین رفتن قدرت و اهمیت و رفتن به سمت تجزیه و تکه تکه شدن اجتناب ناپذیر خواهد بود.

² Bediüzzaman Said Nursî, "İçtimai Dersler", Risâle-i Nur Külliyyatı, s. 269-270.

انسانی یک جامعه با جنبه‌ها و ابعاد اجتماعی آن و شکل‌گیری سرمایه‌مدنی با همه جنبه‌ها و ابعاد مربوطه در کل جهان اسلام دارد.

نتیجه‌گیری

حضرت محمد (ص) در یک دوره کوتاه ۲۳ ساله، یک جامعه نادان و بادیه‌نشین را به هسته و بن‌مایه اصلی یک جامعه متمدن بزرگ - که صدها سال ادامه یافته است - تبدیل کرد. «*البتة شما را به رسول خدا اقتدایی نیکوست، برای آن کس که به (ثواب) خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.*»^۱ به این ترتیب می‌بینیم که جدا نشدن این دین از زندگی اجتماعی و یا بخش‌های زندگی اجتماعی در ایجاد چنین تمدن بزرگی تعیین‌کننده بوده است. عبادات (نماز، روزه، زیارت، زکات و ...) بین خالق و مخلوق اگر در زندگی اجتماعی به صورت جمعی (جماعت) به جای آورده شوند، مؤثرتر بوده و مورد تأیید و تشویق قرار گرفته‌اند. وقتی افراد یک جامعه به شکل تعاملی و با تأثیرگذاری متقابل عبادت می‌کنند، فرایندهای اجتماعی در یکایک آنها نهادینه شده، با وجودشان عجین می‌شود و شیوه‌ای از زندگی اجتماعی را به تصویر می‌کشد. در این نوع زندگی اجتماعی؛ اصولی مانند صداقت، وفای به عهد، اعتماد، برادری و همبستگی، برابری و همیاری حاکم می‌شود و یک اجتماع قوی و سالم با تأثیرگذاری متقابل و انسجام اجتماعی مبتنی بر عبادت پدید می‌آید. اسلام همانطور که به هیچ‌بخش، گروه یا طبقه متعلق به یک جامعه اسلامی امتیازی نمی‌بخشد، با اعتقاد به برادری همه مسلمانان، در میان کل آنها هم به هیچ‌نژاد، قوم و یا جامعه اسلامی دیگر هیچ برتری‌ای قائل نیست. «*به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند.*»^۲ به همین ترتیب که همه مسلمانان با پیوند برادری ابراز شده در این آیه، به طور ابدی به یکدیگر پیوند می‌خورند، آگاهی و شناخت تمدنی در میان آنها نهادینه شده و تجسم می‌یابد. تمدن اسلامی با سرمایه‌مدنی قدرتمند خود، می‌تواند ساختارهای قوی اجتماعی جوامع تشکیل

^۱ سوره احزاب آیه ۲۱

^۲ سوره حجرات آیه ۱۰

دهنده خود را در بوته تمدنی اش ذوب نماید. در نتیجه ، تفاوت های میان این جوامع به جای این که منشا " اختلاف و درگیری" باشد، توانایی "همکاری و هماهنگی" پیدا کرده و تهدیدهای موجود در سطوح اجتماعی را به فرصت هایی در سطوح تمدنی تبدیل می سازد. تمدن اسلامی در یک جغرافیای پهناور از شرق دور تا بالکان و از آسیای میانه تا جنوب آفریقا گسترده شده و از ملت ها ، جوامع و فرهنگ های مختلفی شامل اعراب ، ترک ها ، فارس ها ، هندی ها و ... تشکیل می شود . علیرغم دور هم جمع نشدن این میزان جوامع متعدد، در چنین ابعاد وسیع مکانی و اجتماعی در طول تاریخ و نداشتن تجربه زندگی مشترک یا همان آگاهی تمدنی مشترک، آنها توانسته اند این وحدت و یکپارچگی تمدنی را تأمین کرده و تمدن بزرگی را تکوین نمایند. وجود این واقعیت ثابت می کند که، تمدن اسلامی از نظر سرمایه اجتماعی و سرمایه تمدنی ، ساختاری بسیار قوی و پویا دارد. گرچه تمدن اسلامی از نظر سرمایه اجتماعی و سرمایه تمدنی دارای ساختار محکمی است و با پویایی بالقوه خود از پتانسیلی غنی برخوردار است ، اما می بینیم که جوامع مسلمان امروز به ویژه در مقایسه با جوامع غربی، از نظر سرمایه اجتماعی ضعیف تر و عقب تر هستند. از آنجا که بسیاری از جوامع مسلمان در طی چند قرن گذشته مورد استثمار و بهره برداری فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی جوامع غربی قرار گرفته اند ، پویایی اجتماعی خود را - که ناشی از اسلام و تمدن اسلامی است - از دست داده اند و این عاملی است که نمی توان دست کم گرفت. با وجود این پتانسیل ها و پویایی های قدرتمند و غنی جوامع اسلامی ، امروزه کشورهای اسلامی اکثریت جوامع عقب مانده جهان را تشکیل می دهند. بنابراین ، لازم است جوامع مسلمان : - با احیا و فعال سازی پویایی اجتماعی ناشی از تمدن اسلامی ، به توسعه آن در سطح اجتماعی پردازند .

- در بستر بین المللی نیز، با فعال ساختن سازمان های بین المللی مانند سازمان همکاری های اسلامی ضمن توسعه روابط سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی فی مابین ، به تاسیس سازمان ها و انجمن های بین المللی جدید اقدام کنند. آنها باید سرمایه اجتماعی و تمدنی اسلام را با هدف گسترش در سطوح اجتماعی و مدنیت بشری

مورد استفاده قرار دهند. اگر این کار محقق شود ، تحول بزرگ، فقط برای جوامع مسلمان و تمدن اسلامی حاصل نخواهد شد، بلکه نظریه هایی مانند "پایان تاریخ" و "برخورد تمدن ها" با شکست روبرو خواهند شد و الگوی موفقی از جامعه و تمدن، برای همه جوامع ، تمدن ها و در کل برای بشریت در سطح جهانی ارائه خواهد گردید.

- Ahmet b. Hanbel, Müsned-i Ahmed b. Hanbel, Ensar Yayıncılık, Konya, 2004.
- Altay, Asuman, “Bir Kamu Malı Olarak Sosyal Sermaye Ve Yoksulluk İlişkisi”, Ege Akademik Bakış, 2007, C.7, S.1, ss. 337–362.
- Buhari, Ebu Abdullah Muhammet b. İsmail, Sahihu’l-Buhari, Sağlam Yayınevi, Ankara, 2010.
- Bunn, Christopher, Matthew Wood , “Cultured Responses: The Production Of Social Capital In Faith Based Organizations”, Current Sociology, September 2012, Vol. 60, No. 5, pp.636-652.
- Darimi, Ebu Muhammed Abdullah Abdurrahman, Sünenü’ d-Darimi, Madve Yayınları, 1994.
- Ebu Dâvud, Süleyman b. Eşas, Sünen-i Ebu Davud, Çağrı Yayınları, İstanbul 1992.
- Erselcan, Feray, “Disiplinlerarası Ortak Bir Çalışma Alanı Olarak Sosyal Sermaye”, C.U. Sosyal Bilimler Dergisi, Aralık 2009, C. 35, Sayı. 2, ss. 248-256 .
- Greeley ,Andrew, “Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital”, American Behavioral Scientist, March 1997, No.40, pp. 587-594.
- Gümüştanevi, Ahmed Ziyaüddin, Ramuzül Ehadis, Pamuk Yayıncılık, İstanbul, 2005.
- İbn Mace, Ebû Abdullah Muhammed b. Zeyd, Sünen-i İbn Mace, Kahraman Yayınları, 1982.
- İyaz, Kadı, Şifa-i Şerif, Bedir Yayınları, İstanbul, 1993.
- Karagül, Mehmet, Dünder, Süleyman, “Sosyal Sermaye Belirleyicileri Uzerine Ampirik Bir Çalışma”, Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, 2006, S.12, ss. 61-78.
- Karagül, Mehmet, Masca, Mahmut, “Sosyal Sermaye Uzerine Bir İnceleme”, Ekonomik ve Sosyal Arastırmalar Dergisi, Bahar 2005, ss. 37-52.
- Kirmanoglu, Hasan, Sosyal Sermaye ve Geleceği Şekillendirmek, 2006.
http://www.kobifinans.com.tr/icerik.php?Article=5226&Where=danisma_merkeziCategory=0207&Topic=5. Erişim tarihi 28 Nisan 2009.
- Knack, Stephen, “Social Capital and The Quality of Government:Evidence from the U.S. States”, American Journal of Political Science, 2002, Vol. 46, No.4, pp. 772-785.
- Knack, Stephen, Keefer, Philip, “Does Social Capital Have an Economic Payoff ?

- A Cross-Country Investigation”, *Quarterly Journal of Economics*, 1997, V. 112, No.4, ss. 1251-1288.
- Kunduracı, Nevzat Fırat, “Sosyal Dışlanmaya Karşı Sosyal Sermayenin Yoksullukla Mücadele Aracı Olarak Kullanılması”, *Canakkale 18 Mart Üniversitesi 6. Uluslararası STK’lar Kongresi*, Canakkale, 2009, ss. 457-462.
- La Porta, Rafael, Lopez de Silanes, Florencio, “Trust in Large Organizations.” *American Economic Review*, 1997, V. 87, No.2, pp. 333-338.
- Masca, Mahmut, Karagül, Mehmet, “Sosyal Sermaye Uzerine Bir İnceleme”, *Ekonomik ve Sosyal Araştırmalar Dergisi*, Bahar 2005, ss. 37-52.
- Muhammed Yusuf Kandehlevi, *Hayatü’s-Sahabe*, Akçağ Yayınları, Ankara, 2003.
- Muller Chandra, Ellison Christopher, “Religious involvement, social capital, and adolescents’ academic progress: Evidence from the national education longitudinal study of 1988”, *Sociological Focus*, 2001, V. 34, No. 2, pp.155-183.
- Müslim, Ebu’l-Hüseyn Müslim b. Haccac, *Sahih-i Müslim*, İrfan Yayınevi, İstanbul, 1988.
- Nesâî, Ebu Abdurrahman Ahmed b. Şuayb, *Sünenü’n-Nesai*, Çağrı Yayınları, İstanbul 1992.
- Nursî, Bediüzzaman Said, *İçtimai Dersler*, Risâle-i Nur Külliyyatı, 2010.
- Putnam, Robert, *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, Princeton University Press, 1993.
- Putnam, Robert, Leonardi Robert, Nanetti, Raffaella, *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, Princeton University Press, 1993.
- Rice, Tom W., Sumberg, Alexander F., “Civic Culture and Government Performance In The American States”, *The Journal of Federalism*, 1997, Vol. 27, No.1, pp. 99-114.
- Secor ,Anna J, O’Loughlin, John, “ Social And Political Trust in Istanbul And Moscow: A Comparative Analysis of Individual and Neighbourhood Effects”, *Transactions of the Institute of British Geographers*, March 2005, V.30, No. 1, pp. 66–82.
- Temple, Jonathan, *Growth Effects of Education and Social Capital in the OECD Countries*, OECD Economics Department Working Papers No. 263, 2000.
- Tirmizi, Muhammet b.İsa, *Sünenü’t-Tirmizi*, Çağrı Yayınları, İstanbul, 1992.
- Triligia, Carlo, “Social Capital and Local Development”, *European Journal Of Social*

Theory, 2001, V. 4, No.4, pp. 427-442.

Tüylüođlu, Őevket, “Sosyal Sermaye, İktisadi Performans Ve Kalkınma: Bir Yazın Taraması”, Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, 2006, C.6, S.12, ss. 14-60.

Woolcock, Michael, Narayan ,Deepa, “Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy”, World Bank Research Observer, 2000, V.15, I. 2, pp. 225-250.

Zak, Paul and Stephen Knack, “Trust and Growth”, Economic Journal, 2001, V.111, pp. 295-321.